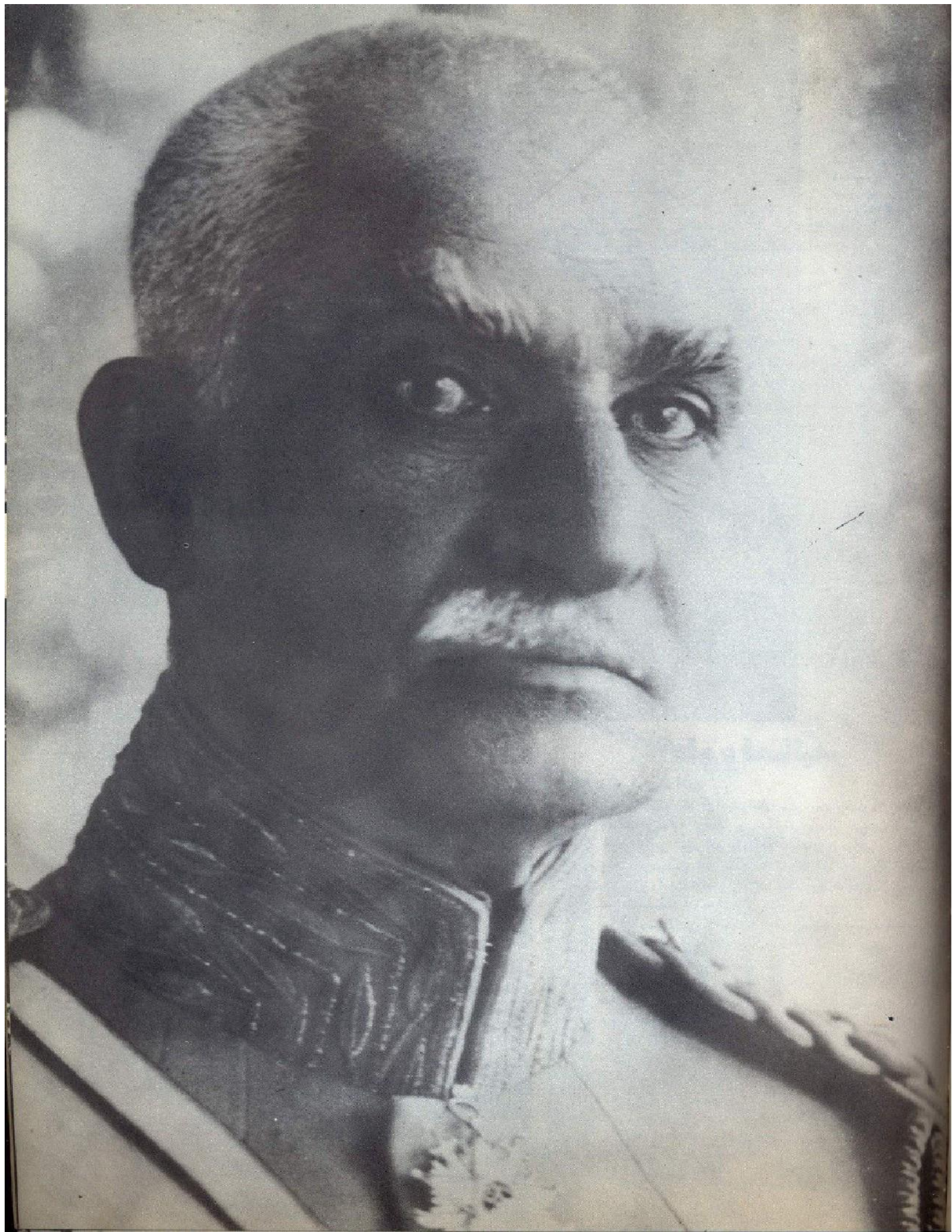




دستور دادپرویی به
پیروی از روش نیک
نیاکان ایرانیان بر
فراز نمای کاخ
دادگری ایران در
چند چهره نقش
یافته است



سازمان دادرسی ارتش
از آثار عصر شاه
کبیر است

قوه قضائیه

مشروطیت و عدالت

* آن روز که آزادیخواهان صدر مشروطیت در انقلاب ۱۳۲۴ قمری قیام کردند و فدائیان در راه حریت دادند حرف اولشان این بود که ما «عدالتخانه» می‌خواهیم، و وقتی مردم بمشروطیت رسیدند پنداشتند که قوه قضائیه را که اساس عدالتخانه است دارا شده‌اند ولی سالها گذشت و از عدل و داد نه تنها اثری ندیدند بلکه از آن عدالتخانه هم چیزی نفهمیدند!

زیرا در مملکتی که سنت‌های عصر استبداد نحوه کار بوده بدیهی است که وقتی قوه مقننه تشکیل از وکلای ملت میشود همان خان‌ها و فئودالها، یا همان سرکرده‌ها خودشان راپزور تحمیل دوشملت مینمایند و بعنوان وکیل بخانه ملت میروند تا قوانینی برای بسط عدل و داد وضع کنند! چنین وکیل و چنین قانونی نتیجه‌ی کارش همان میشود که خون شهیدان راه مشروطیت به در می‌رود و از عدالتخانه جز حرف چیزی باقی نمی‌ماند. بدیهی است اگر در آن هنگام عدالتخانه‌ای درست بود بهانه‌ای برای ایجاد کابیتولاسیون نبود.

دادگری پیش از پهلوی

* پیش از سلطنت پهلوی، تشکیلاتی در چند اطاق محقر مجاور درب اندرون باب‌هما یون بنام عدلیه داشتیم که بیست و دو هزار پرونده شکوائیه روی هم انباشته بود و صاحب‌دعوا را بابت تکلیف و با امیدواری سرگردان ساخته بودند.



دادگستری

ادراین دوره

وزارت عدلیه و محاکم قانونی آن با قوانین موضوعه‌ی جدید دادگستری مطابق رسوم اروپائی و ملل مترقی بکار مشغول شد و عدلیه جوان بفرمان اعلیحضرت رضاشاه پهلوی بوجود آمد .

قوانین دادگستری

* از سال ۱۳۰۶ کار اصلاحات عدلیه با سرعتی که خواست رضاشاه کبیر بود آغاز گشت و تمام تشکیلات سابق منحل گردید و عده‌ای از حقوق دانان و جوانان تحصیل کرده و اروپا دیده را به وزارت دادگستری آوردند و به تهیه طرح قوانین حقوقی و جزائی پرداختند و برای تصویب بمجلس فرستادند .

* اداره ثبت اسناد و املاک را تأسیس و قانون ثبت اجباری را به مجلس بردند زیرا تا آن روز کار ثبت اسناد بطوریکه امروز در محاضر اسناد رسمی صورت می‌گیرد در محاضر شرع انجام می‌گرفت .

* قانون مدنی را که حافظ جان و مال و نوامیس یک قوم است تصویب و بموقع اجرا گذاردند .

* قانون مهم دیگری که در این دوره تهیه شد قانون جزای عمال دولت نام دارد که امروز معروف به «قانون دیوان کیفر کارکنان دولت» است و نیز قانون محاکمه وزیران که در سال ۱۳۰۷ تصویب شد از آثار این دوره است .

* دیوان عالی کشور نیز اصلاح شد .

* قانون استخدام قضات و قانون اختلاس و ارتشاء نیز در این

دوره به تصویب رسید .

بنای کاخ دادگستری ایران
بصر اعلیحضرت رضاشاه کبیر
بنیاد نهاده شد



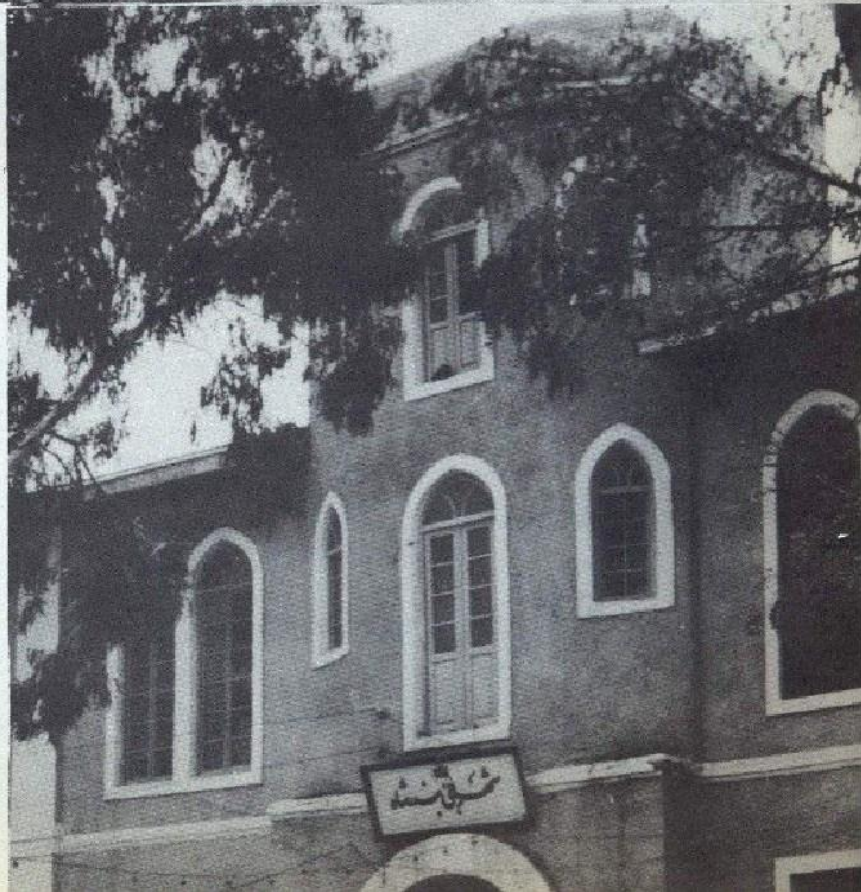


بنای شهربانی کل کشور در تهران عصر اعلیحضرت رضاشاه کبیر
بر اساس استیل عهد هخامنشی ساخته شد

هیئت قضاییه

* نظر باینکه بعضی مأمورین دولت بنا بر پدعت پیشین دست از جان مردم برنمیداشتند و پیوسته شکایاتی از تعدیات آنها به دربار پهلوی میرسید، رضاشاه کبیر بوزیر دادگستری دستور دادند که هیئتی مرکب از چند تن قاضی و چند تن از نمایندگان صالح دولت بریاست یک قاضی عالی رتبه به تمام ایران مسافرت کنند و به شکایات عمومی رسیدگی نموده فی المجلس مشکلات عمومی را فیصله بدهند و خاطی را از کار برکنار نمایند و اگر گناهش قابل تعقیب است تحویل محاکم صالحه بدهند. این هیئت موفقیت‌هایی حاصل کرد و اثر مهم آن این بود که در تمام ایالات و ولایات حکام و مأموران دولت آگاه شدند که مورد بازخواست قرار خواهند گرفت و در نتیجه تعدی بمقدار محسوسی کاهش یافت.

* بطور کلی این نکته قابل توجه است که از صدر مشروطیت مسأله‌ی بسط عدالت و گشایش عدالتخانه علاوه بر آنکه بمذاق طبقه‌ی خان و فئودال و زورگو خوش نیامده طبقه‌ی مختلف هم از پیدایش عدالتخانه دلخوش نبوده در صورتیکه بنیاد دادگستری بر اساس شرع نهاده شد.





يك دستور ديگر از دادپروري ،
بر نماي كلخ دادگستري ايران

كلخ دادگستري و لباس قضا

* از آنجا كه مقرر گشته بود براي تمام دستگاه‌هاي مملكتي و اژه‌هاي فارسي انتخاب بشود نام عدليه به دادگستري و نام‌هاي محاكم و شعبه‌ها اصطلاحات حقوقي و جزائي پفارسى مبدل گشت و پسنای كلخ دادگستري نهاده شد زیرا كلخي بود كه در سال يكهزار و سصد و بيست خانه يافته بود و نقاشي مختصري داشت ولي در اندك زمان مر تفع شد و امروز يكي از ساختمان‌هاي معروف دولتي است.

* لباس قضات هنگام محاكمه ، مخصوصاً محاكمه جنائي بصورت لباس‌هاي قاضيان ممالك متمدن اروپائي در آمد و هر وقت رضاشاه كبير به مسافرت‌هاي خارج از تهران ميرفتند در تشریفات استقبال، قضات محلي با لباس‌هاي رسمي قضاوت حضور مييافتند .

* قوانين جزائي ارتش براي دادگاه‌هاي زمان جنگ در عصر رضاشاه كبير تهيه و تصويب شد .

خانواده و ملیت و آداب و رسوم

برای ارشاد جامعه

قانون لباس متحدالشکل و پوشیدن البسه وطنی، پیش از سلطنت اعلیحضرت رضاشاه کبیر و فرمان او بموقع اجرا گذارده شد و اعلیحضرت پیوسته بصورت اندرز و ارشاد جامعه را هدایت بسوی تمدن نو مینمودند و برای آنکه لباس و کلاه همه طبقات مختلف مردم مملکت بصورتی درآید که اختلاف طبقاتی کم کم از میان برداشته شود، اعلیحضرت پیش از همه خود ملبس بلباس جدید شدند تا سران مملکت و هیئت دولت و طبقات روشنفکر نیز به معظله تأسی نموده بجامه دنیای نو درآیند.

اعلیحضرت رضاشاه کبیر برای اجرای همین هدف در سالهای نخستین سلطنت چند بار بیشتر با لباس غیر نظامی ظاهر نشدند و همینکه عموم طبقات مملکت بجامه اروپائی آراسته گردیدند اعلیحضرت پیوسته همان لباس ساده سربازی خود را در برداشتند.

اعلیحضرت رضاشاه کبیر برای آزادی نیمی از افراد مملکت و مادران وطن ماکه در چادر سیاه اسیر بدعتهای زشت قرون وسطائی بودند نخستین گام اساسی را برداشت و زمینه را برای آیندگان پی ریخت.

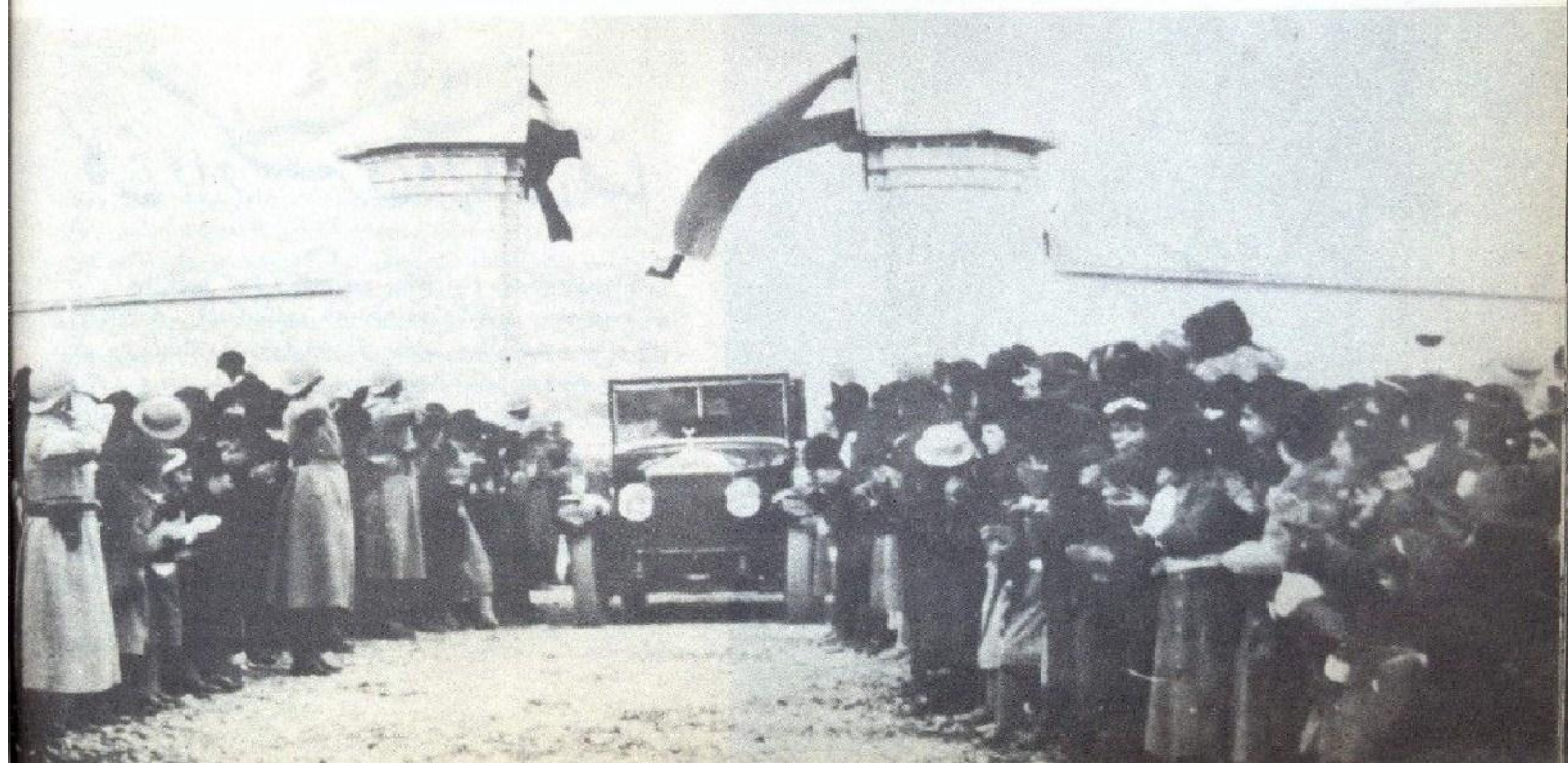
کنگره نسوان شرق در تهران

هنوز حجاب سیاه زنان ایران برداشته نشده بود و در گوشه و کنار گفتگو از آزادی زنان بود که با اجازه وتشویق اعلیحضرت رضاشاه کبیر در سال ۱۳۱۱ و دومین کنگره ی عمومی نسوان شرق در تهران تشکیل شد و قطعنامه ای پیرامون تعمیم فرهنگ و آموزش و پرورش برای زنان صادر کرد.

نخستین مرحله آزادی زنان ایران

سرانجام در هفتم دی ماه سال ۱۳۱۴ اعلیحضرت رضاشاه کبیر با خانواده ی سلطنتی بدون حجاب و لباس اروپائی به دانشسرای مقدماتی برای جشن فرهنگی تشریف آوردند و از همان روز فرمان آزادی زنان ایران را با برداشتن حجاب صادر فرمودند و تا سال ۱۳۲۰ زنان ایران پیشرفتهای شایانی در رشته های فرهنگی و اجتماعی نموده و در ادارات و مؤسسات دولتی دارای مشاغل ارزنده شدند.

هنگام ورود اعلیحضرت رضاشاه کبیر با خانواده سلطنتی به محوطه دانشسرای مقدماتی تهران روز ۱۴ دیماه سال ۱۳۱۴





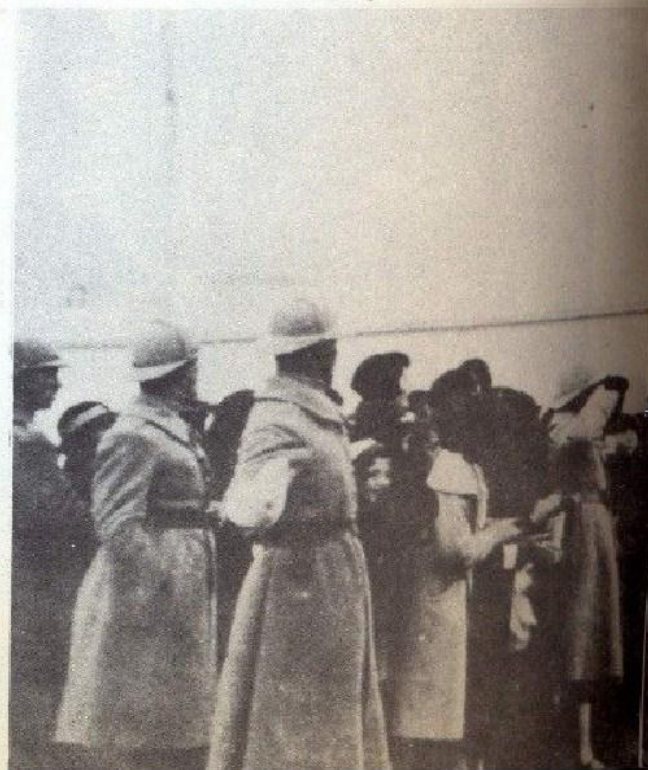
اعلیحضرت رضاشاه کبیر هنگام ورود به دانشسرای مقدماتی تهران با اتفاق علیاحضرت ملکه پهلوی، والاحضرت شمس پهلوی والاحضرت اشرف پهلوی در نخستین روز رفع حجاب و آزادی زنان ایران در ۱۴ دیماه سال ۱۳۱۴

لباس اروپائی برای مرد وزن ایرانی

* رضاشاه کبیر وحدت ملی و خوی وطن پرستی و ایمان بزاز و بوم و خانواده را اهمیت خاص میداد و معتقد بود تا کسی به ملیت و وطن و خانواده پای بند نباشد مورد اعتماد برای خدمت بمملکت نیست و از این رو برای ساختن ایران نوو پرورش نسل نو، فرهنگ و سازمان های نوینی را بوجود آورد و در تمام ارکان اجتماعی این هدف عالی را از نظر دور نمیداشت.

* او معتقد بود که باید آداب و رسوم کهن ایران که از عهد باستان به عصر ما رسیده با نهایت سربلندی حفظ بشود و آنچه از تمدن دنیای نو برای پیشرفت ملت ایران سودمند است در ایران نیز مرسوم گردد.

از این رو با اجرای «قانون کلاه و لباس متحدالشکل» قیافه اجتماع ایران را عوض کرد و بکار بردن کت و شلوار با پارچه وطنی و «کلاه پهلوی» معمول گردید و لباس های گوناگون دیگر بکار نرفت و همینکه ملت ایران به لباس نو آشنا شد «شاپو» و کلاه فرنگی جای کلاه پیشین را گرفت و چادر سیاه از بیکر زنان برداشته شد و در ۱۷ دیماه سال ۱۳۱۴ هنگامی که رضاشاه کبیر بدانشگاه آمداول ملکه ایران و شاهدخت ها را آزاد و با لباس اروپائی بهمراه خود آورد و مردم را عادت به پوشیدن لباس دنیای غرب داد و گامی بزرگ و فوق العاده در این راه برداشت و پادشاه و خواستهای ملی جامعه ی عمل یوشانید و از خرافات و عقب ماندگی درهمه چادری جست.



آزادی زنان ایران

بیانات اعلیحضرت رضا شاه پهلوی در چهاردهم دیماه ۱۳۱۳ خطاب بزنان ایران :
● ... بی نهایت مسرورم که می بینم خانمها در نتیجه دانائی و معرفت بوضعیت خود آشنا شده و پی بحقوق و مزایای خود برده اند ، ما نباید از قفل دور بداریم که در سابق نصف جمعیت کشور ما بحساب نمی آمد و نصف قوای عامله کشور عاطل بود ، هیچوقت احصائیه از زنها برداشته نمیشد مثل اینکه زنها افراد دیگری بودند ، و جزو جمعیت ایران بشمار نمی آمدند ، فقط در يك مورد از زنها احصائیه برداشته میشد و آن موقعی بود که وضعیت ادزاق مشکل میشد و برای تأمین آذوقه سرشماری میکردند. شما خانمها این روز را يك روز بزرگ بدانید و از فرصتهائی که دارید برای ترقی کشور استفاده نمائید شما خواهران و دختران من تربیت کنندة نسل آینده خواهید بود و شما هستید که میتوانید آموزگاران خوبی باشید و افراد خوبی از زیر دست شما بیرون بیایند ، از تجمل و اسراف بپرهیزید سادگی را پیشه خود سازید کمک و یار مردها باشید باقتصاد و صرفه جوئی در زندگی عادت نمائید و بتمام معنی مفید بحال مملکت باشید ...



بسوی تمدن نو



علیاحضرت ملکه پهلوی

... هنگامی که پدرم به تخت سلطنت نشست مصمم گشت که زنان را از پارسنگین آداب و رسوم که آنان را مقید ساخته و آنان دامنگیر ملت ایران نیروگشته است آزاد سازد. منظور وی آن بود که فکر زنان را ترقی دهد و مادرانی دانشمند و افرادی شایسته با اجتماع ایران پیافزاید تا در نوبه خود فرزندانی با فضائل اخلاقی و تربیت اجتماعی برای کشور بار آورند.

پدرم بدو برفع حجاب زنان اقدام کرد و در اثر تشویق و تحریض وی در سال ۱۳۰۹ نخستین بار بعضی از بانوان طبقه اول در خانههای خود و مجالس مهمانی بلباس زنان اروپائی در آمدند و عده کمی هم جرات کرده بدون حجاب در خیابانها ظاهر میشدند ...

در سال ۱۳۱۳ که پدرم دانشگاه تهران را تأسیس نمود مقرر داشت که دوشیزگان حق ورود داشته باشند و همچنین بسیاری از دوشیزگان ایرانی به تشویق پدرم برای کسب علم و هنر بخارج از کشور عزیمت کردند و عده کثیری بشویق پدرم در وزارتخانهها و ادارات دولتی و خصوصی برای منشی گری و سایر مشاغل مشغول کار شدند و در امور اجتماعی و خدمات عمومی نیز علاقه روز افزون بمنصب ظهور رساندند.

در سال ۱۳۱۳ آموزگاران و دختران دانش آموز از داشتن حجاب ممنوع شدند و افسران ارتش با زنانیکه حجاب داشتند راه نمیرفتند.

روز ۱۷ دی ۱۳۱۴ پدرم با اعلام کشف حجاب قدم نهائی را در اینراه برداشت و از مادر و خواهرانم خواست که بدون حجاب همراه وی در یکی از جشنهای مهم رسمی کشور حاضر شوند جشن مزبور بمناسبت اعطای دانشنامه به بانوانیکه از دانشسرا فارغ التحصیل شده بودند برگزار میشد و موقع بسیار مناسبی برای اعلام این تصمیم عمومی بود ...

... اقدام رضاشاه موفقیت کامل یافت و متعاقب آن پدرم دستور منع حجاب را صادر کرد ، بموجب این دستور هیچ زن یا دوشیزه ای حق پوشیدن چادر و نقاب نداشت و اگر زنی با روبنده و چادر در کوچه پیدا میشد پاسبان از وی تقاضا میکرد که روبنده خود را بر دارد و اگر امتناع میکرد جبراً چادر او را بر میداشتند و تا زمانیکه پدرم سلطنت میکرد در سراسر کشور این منع برقرار بود .

اقداماتی که پدرم برای ترقی و پیشرفت معنوی بانوان بعمل میآورد طبعاً با مخالفتهایی مواجه میگردد ولی با آن شهامت و دور اندیشی فطری که داشت موانع را از پیش برداشته و راه را هموار میساخت ، چنانکه مثلاً در سال ۱۳۰۷ که مادرم بزیارت عتبه منوره حضرت معصومه علیها السلام بقم مشرف شده بود با وجود آنکه خود و همراهانش در نقاب بودند ولی باز چون چادرشان کمی کوتاه بود از طرف بعضی از متعصبین جاهل مورد طعن و توهین قرار گرفتند ، بمجردیکه این خبر بتهران رسید پدرم با چند کامیون سرباز بآن شهر رفت و عامل آن اهانت را شخصاً تنبیه فرمود ...

از کتاب « ماموریت برای وطن »



بروجرد و بروگرد . خسرو جرد و خسرو گرد

با گذشت زمان و بازمانده آثار بیگانگان در زبان پارسی هنوز در سراسر ایران بویژه در روستاها و کوهپایه‌ها و آن استانهائی که در برابر مهاجمان استادگی کرده‌اند واژه‌های پارسی و اصطلاحات اصیل ایرانی محفوظ مانده و در عصر پهلوی که زبان پارسی و پارسی‌نویسی رونق گرفت بسیاری از آن واژه‌ها زنده شد و این شیوه پسندیده پیوسته ادامه یافت . از واژه‌هایی که از دوره آریاها باقی مانده واژه « گرد » و « گراد » بمعنای « شهر » است که پس از اختلاط دوزبان پارسی و عربی در یکدیگر « گ » مبدل به « ج » شده چنانکه « بروگرد » یا « بروگراد » بروجرد شده و داراب گرد و خسرو گرد همانطور باقی مانده است .

بروجرد مرکز لرستان پس از احداث راه شوسه قم به خرم‌آباد و پیوند به خوزستان و سپس با ایجاد راه آهن سراسری ایران پیوسته مورد بازدید اعلیحضرت رضاشاه کبیر قرار میگرفت و دوبار هم با اتفاق ولایتعهد « شاهنشاه آریامهر » بازدید بعمل آمد . در بروگرد نیز دانش‌آموزان مدارس پس از نثار گل سرود میهنی خواندند و با احساسات پاک خود استقبال کردند . هر جا دانش‌آموزان مدارس سرود میهنی میخواند رضاشاه کبیر با هنگ صدای فرزندان وطن خود که ابواب تمدن جدید را بروی آنها گشودند گوش میدادند و اظهار مسرت میکردند .



پیدایش بُرج ، بارو ، دژ

از هنگامی که بشر بیابان گردی را رها کرده و بکار کشت و زرع پرداخته مسکن گزیده و شهر نشین شده اما برای مصونیت از تیرمن مهاجمان و دفاع در مقابل بیگانگان هر قبیله‌ی آن در منطقه خود بر فراز کوه ها و بالای بلندی ها خانه ساخته و برج هایی برای مراقبت تعبیه نموده و گرداگرد محوطه‌ی خود را با بارو هایی مسدود کرده که بهنگام مهاجمه از فراز بر نشیب مستولی باشند و دشمن را با سلاح عصر خود چون تیر و کمان برهانند . ساختن قلاع بزرگ از عهدی بعید مرسوم بوده که آثار آن تا قرون اخیر مانند « دیوار چین » و « برج بابل » باقی مانده و بمصر ما رسیده است . در ایران نیز دژ های باستانی با برج و بارو هایی کمابیش بجای مانده و در روزگار گذشته هر گاه کشور آسایش داشته دژ های بزرگ در اختیار دولت و سپاهیانیش بوده و هر گاه مملکت دستخوش زلزله و نا امنی شده آن قلاع بتصرف باغی ها و سرکش ها در آمده است چنانکه پیش از فرمانروایی اعلیحضرت رضاشاه کبیر بیشتر قلاع معروف ایران بویژه در نواحی کوهستانی در دست متجاسران بود که پی در پی بتصرف نیرو های تأمینیه درآمد .





از چپ بر راست : ولایتعهد «شاهنشاه آریامهر» . اعلیحضرت رضاشاه کبیر . دکتر مؤدب اللوہ نقی پشکار ولایتعهد . سرلشکر نقی . ابراهیم علم «امیر شوکت الملک» وزیر پست و تلگراف . ابراهیم قوام «قوام الملک شیرازی» حسین سمیعی «ادیب السلطنه» . فرمانده نیروی لرستان .

قلعہ چہریق و قلعہ الافلاک

اعلیحضرت رضاشاه کبیر پس از بازدید آذربایجان باتفاق ولایتعهد «شاهنشاه آریامهر» از کردستان و لرستان و خوزستان و فارس نیز دیدن کردند .
بازدید این استانها و مشاهده قلعہ ها و برجها و باروها میتواند یکبار دیگر ناامنی و مملوک الطوائفی پیش از عصر پهلوی را بیاد بیاورد که روزگاری آنها پناهگاه اشرار بود و بارشادت و کیاست اوسرانجام جایگاه پادگان های ارتش شد .
قلعہ چہریق در آذربایجان و قلعہ قلع الافلاک در لرستان از همان قلاعی هستند که هنوز خاطراتی دردناک از ناامنی پیش از عصر پهلوی بیاد دارند .
هنگامی که ارتش قلعہ قلع الافلاک را در آغاز فرمانروائی اعلیحضرت رضاشاه کبیر تسخیر کرد نام آن به «سپہدژ» تغییر یافت .

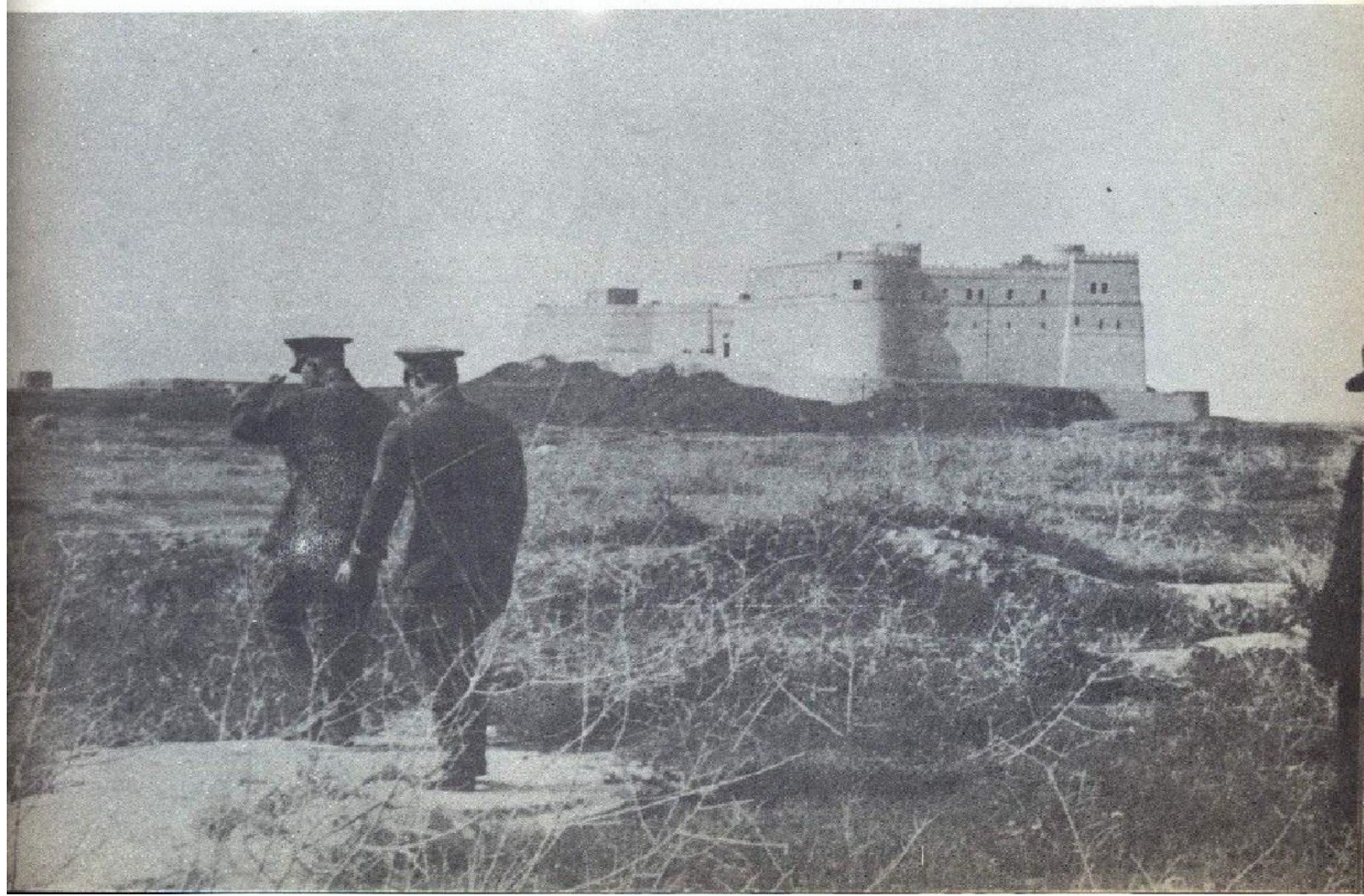
یادگارهای ازايران باستان

هر کشوری قدمت بیشتر داشته باشد تاریخش سراسر از فراز و نشیبها ، خوشبختیها و بدبختیها ، عظمتها و ذلتها ، ناکامیها و پیروزیها حکایت می کند ، تاریخ ایران نیز چنین است و آثار باستانی آن خود گواه نمایان این سرگذشتها هستند :

در هیچ نقطه ای از فلات ایران خاکی نیست که در دل آن آثاری تابناک از گذشته های دور و نزدیک ما بیادگار نداشته باشد و فراز و نشیب های قوم ایرانی را بصورتی زنده و ارزنده نشان ندهد . از دریای مازندران تا سراسر سواحل خلیج فارس ، از ماورای خراسان و سیستان تا منتهی الیه پارس و خوزستان ، از آنسوی آذربایجان تا دنباله ی بلوچستان گواه های گرانبهائی برای تاریخ جاویدان ایران در قلب خود بایگانی کرده و یا در قرون اخیر که باستان شناسی گوشه هایی از رویدادهای کم گشته را یافته و تمدن های بر باد رفته را از سینه سنگها و درون خاکها بیرون آورده و بخشی از آنها را به بشریت اعطا کرده است سرافرازی ما را در جوامع بشری پایدار می سازد - دورنمای بسیاری از این ویرانه ها که بظاهر غم بار مشاهده میشوند در درون خود گنج شایگان نهفته دارند .

خوزستان و استان پارس دو ایالت باستانی هستند که بمصر پهلوی غبار غم از چهره ویرانه های خود شستند و تمدن دیرین را در عصر نوین بجهانیان نشان دادند .

امروز خرابه های شوش و ویرانه های تخت جمشید دو سیمای درخشان آن تمدن پر شکوه ایران باستان هستند که آن فراز و نشیبها را بهتر بیاد میاورند ،





کوره راه ، راه ، شاهراه

از دور زمان تا امروز بهترین راه ارتباط در خشکی راه زمینی است و هنوز راهی بقدرت تحمل راه زمینی پدید نیامده که بتوان مورد بحث قرار داد و فقط میتوان گفت که از راههای زمینی پردرآمدتر و کاملتر از دیگر راههای حمل و نقل راه آهن است که پیرامون آن در فصل پیشین باختصار یاد شد و در

فصلی دیگر بهتر از آن سخن خواهد رفت .

درباره راههای باستانی ایران پیش از این گفتگوی کوتاهی بعمل آمد و آنچه درباره راههای دو قرن اخیر ایران میتوان گفت باختصار این است که پیش از سلطنت اعلیحضرت رضاشاه کبیر بالغ بر دوهزار و چهارصد کیلومتر راه شوسه از شرق بفریب و از شمال بجنوب وجود داشت و بقیه راهها فرعی و اکثر آنها هم بقول مردم آن عصر و زمان واسطه بوده است .

اما از هنگامی که اعلیحضرت رضاشاه کبیر کمر همت در راه ایجاد امنیت بست و اقدام باحداث راه و شاهراه نمود و اداره کل طرق و شوارع، در وزارت فواید عامه تأسیس شد و سپس وزارت راه بوجود آمد و هر سال چند بار استانها و شهرستانهای سراسر ایران مورد بازدید قرار میگرفت تا سرانجام خطوط ارتباطیه جدید در سرزمین ایران بیکدیگر پیوند یافت که هنوز بسیاری از آنها در سراسر ایران بچشم میخورند .

در آغاز فرمانروائی اعلیحضرت رضا شاه کبیر اکثر راههایی که بوجود آمد راههایی بود که بوسیله ارتش و افراد سرباز ساخته شد اما در دوره سلطنت و تأسیس ادارات راه سازی بیست و دوهزار کیلومتر راه اصلی شوسه ساخته شد







در دزفول که پیش از این دژ پل بوده است

شوش ، شوشا

چنانکه هنوز هم همانند گذشته مرکز استان کرمان را « کرمان » و مرکز شهرستان یزد را « یزد » میخوانیم ، آروزگاران هم مرکز استان بابل را « بایبلون » و مرکز شوش را « شوشا » میگفتیم

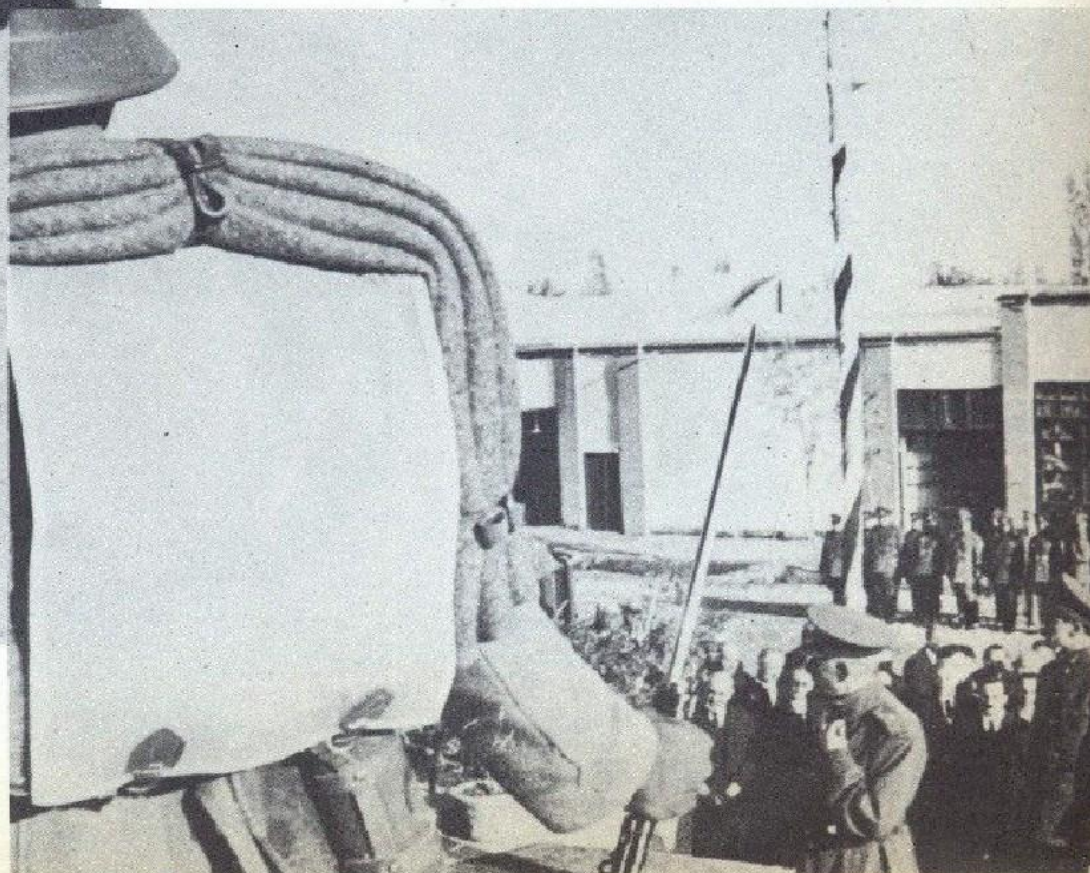


و اما از آن هنگام که مناطق باستانی میهن ما چون طاقستان و شوش و شاپور و قش رجب و پاسارگاد مورد توجه اعلیحضرت رضا شاه کبیر قرار گرفت و بامر او پیوسته باستان شناسان از اروپا دعوت شدند و نیز وزارت معارف مراقبت در کار کاوش باستان شناسی کرد پیوسته مناطقی که مورد کاوش واقع میشد ، پس از آن مورد بررسی اعلیحضرت رضاشاه کبیر قرار میگرفت و شخصاً از آن محل بازدید بعمل میآوردند ، چنانکه وقتی برای مرتبه سوم از شوش بازدید کردند محل کاوش باستان شناس آنچه را از دل خاک در آورده بود دیدن نمودند و مدتی پیرامون آن کاوش و اشیاء مکشوفه پرش فرموده و جای بحثی باقی نگذاشتند شاید بی مورد نباشد که در اینجا از موزه ایران باستان و دیگر موزه های باستانی که بعضی اعلیحضرت رضاشاه کبیر تاسیس شد یاد کنیم و یادآور شویم که آنچه امروز در موزه های ایران بویژه در موزه ایران باستان تهران بچشم میخورده همه در سایه توجه و ارشاد او گردآوری شد و در این خانه پرافتخار برای تماشای پویندگان آثار ایران باستان پراهمید همگان قرار گرفت .

● اینجا ، آنجا است که در شوش مورد کاوش باستان شناس قرار گرفته و اکنون مورد بررسی اعلیحضرت رضا شاه کبیر واقع میشود .

سختی در باره پادگان ها

همانطور که در تفسیر وقایع سالهای پیش از سلطنت یاد شد نیروهای مسلحه ایران عبارت از قوای قزاق و ژاندارم و سرباز و سواران محلی بود که چون قوای قزاق در اختیار بیگانگان بود و از ژاندارم هم خاطرات و سوابق خوبی در اذهان نبود آن نیروها منحل شد و قشون نوین تشکیل گردید که بعد نام آن به ارتش تغییر یافت و ژاندارمری هم بنام تشکیلات امنیه تغییر نام داد ولی تا امنیه نیرو گرفت لشکرها مأمور برقراری امنیه هر استان بودند و در سراسر ایران و هر منطقه پادگانهایی که لازم بنظر میرسید مستقر شدند و پیش از تغییر اسامی قدیم و انتخاب نامهای نو برای واحدهای ارتش «پادگان» را «ساخلو» می گفتند و در این مدت هر چه افراد غیر نظامی و عشایر بیشتر خلع میشدند و بکشاورزی میپرداختند پادگانها را بیشتر کردآوری میکردند و جوخه های ژاندارم یا «امنیه» جای آنها را میگرفتند بطوریکه در نیمه دوم سلطنت اعلیحضرت رضا شاه کبیر که در سراسر ایران اثری از نا امنی نبود همه پادگانها کردآوری شدند و در لشکرها بکار تمرین نظامی پرداختند و فقط بهنگام مسافرت اعلیحضرت در تشریفات شرکت میجستند.





بزرگ ارشتماران در برابر یک صف از ارتش ایران

خوزستان استان کهنسال ایران

یادی از گذشته‌ها

از روزگاری که تاریخ ما آغاز گشته و از هنگامی که تمدن دیرین یادگارش را بر خشت و سنگ نهشته و بر سینه کوه‌ها نقر کرده و یا بر الواح طلا و نقره حک نموده نام خوزستان در دیباچه آن با چهره‌ای درخشان بچشم میخورد. هر چه کاوش باستان شناسان عمیق تر شده دامنه تمدن آن ایالت در ماورای هفت هزار سال پیشتر رفته است.

شاهنشاهی ایران از خوزستان و پارس پای گرفته و کورش کبیر شاهنشاه هخامنشی پیش از آن از سوی پدرش شاه «انشان» یا «میشان» در خوزستان بوده است.

نام اصیل خوزستان

در کتیبه تخت جمشید نام خوزستان «اووازا» یا «هووازا» یاد شده و معنای آن بهترین امکنه است که «هرمز شهر» پایتخت آن بوده. «ستان» مخفف «استان» و بمعنای ایالت است که بدنبال «هووازا» آمده و «هووازاستان» شده و بسیاری از مورخان و جغرافی نویسان «اهواز» را مشتق از همان واژه «اووازا» و «هووازا» میدانند چنانکه سالیان دراز نام «اهواز» هم بر سراسر خوزستان اطلاق میشده است. در کتیبه‌های تخت جمشید نام خوزستان گاه پیش از فارس و گاه بعد از نام پارس آورده شده است.

هرمز اردشیر

حمزه اصفهانی مورخ نامی درباره اهواز مینویسد که آن شهر بدو منطقه منقسم بوده منطقه کسب و کار و شهر عامه که «هوستان» نام داشته و منطقه اعیان نشین که «هوزم شیر» بوده است و شاید هوزم شیر همان هرمز اردشیر باشد.

در زمان سلطنت ساسانیان که پایتخت تابستانی و پایتخت زمستانی داشتند خوزستان پایتخت زمستانی بوده و بگونه امروز «خوزستان» گفته میشده است.



کوهسپایه های بین لرستان و خوزستان

از نظر جغرافیائی

خوزستان از نظر جغرافیائی بدو منطقه «خوزستان دشت» و «خوزستان کوه» منقسم میشود که شهرهایی مانند دزفول یا «دژپل» و رامهرمز و شوشتر در ناحیه کوهستانی و فلاحیه یا شادکان و امثال آن در دشت واقع شده اند که بخشی از قسمت کوهستانی آن ایلام نام داشته و تا امروز باقی است و بخشی از قسمت دشت آن را هم تا امروز دشت میشان میخوانیم.

خوزستان دشت را طبیعت از آبهای کوهستان آن سیراب مینماید.

در سراسر خوزستان نام شهرها و رودها و مکانهایی با واژه پارسی قدیمی آن هنوز باقی است و بر اساسی غیر ایرانی که بمرور زمان به بعضی از شهرها و امکنه اطلاق شده اکثریت کامل دارد.

زبان مردم خوزستان

بعض مورخان از قول ابن مقفع و روزه پارسی، نقل کرده اند که زبان مردم خوزستان زبانی است که در دربار ساسانیان بدان سخن میگفتند.

مقدسی از جغرافی نویسان قرن چهارم هجری در کتاب «احسن التقاسیم» پیرامون زبان مردم خوزستان اشاره میکند که در ایران زمین زبانی روان تر از زبان خوزستانی نیست و همان زبان پارسی دری است که مردم پارس همیشه بدان سخن میگفته اند.

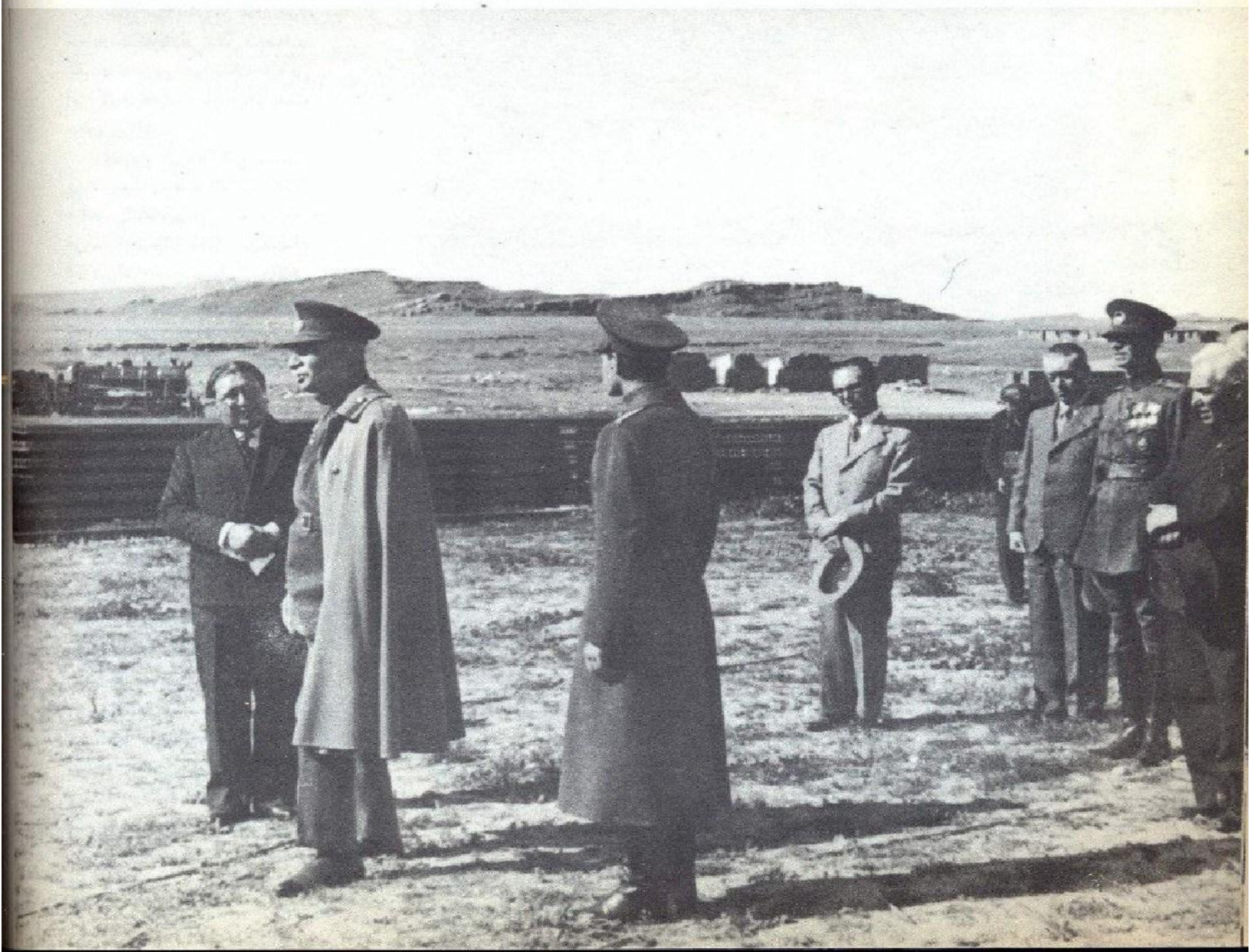
خوزستان امروز

امروز خوزستان بیش از دو میلیون جمعیت دارد و استانی است که بادت توانای اعلیحضرت رضاشاه کبیر امنیت پیدا کرد و مانند بسیاری از استانهای دیگر ایران از قید ملوک الطوائفی نجات یافت که در فصول پیشین و بمصر فرما نروائی اعلیحضرت رضاشاه کبیر از ماجرای خوزستان و رهایی آن استان از نا امنی سخن بسیار رفت و در عصر سلطنت او نامهای قدیم آن زنده شد و واژه هایی که رنگ بیگانه داشت برداشت و بجای آن «عیادان» را آبادان و «محمرة» را خرمشهر و خور موسی را «شاهپور» گذاشت.



کشاورزی و آبیاری

کشاورزی در ایران باستان امری مقدس بشمار میرفته و هرایرانی به شغل کشاورزی اشتغال داشته او را بخداوند نزدیکتر میدانسته‌اند، بنذافشانی، درختکاری، گله داری، پرورش طیور و آبیاری زمینها، مورد توجه خاص ایرانیان بوده است بطوری که مورخان ییگانه در این باره سخن بسیار گفته‌اند. هر وقت مملکت در امنیت بسر میبرده کشاورزی رونق بسیار داشته و وقتی دچار تهاجم و نا امنی میشده سطح کشت پائین میآمده و گاه علاوه بر حوادث سماوی قحطی هم روی میآورده است. آثار و شواهد نشان میدهد که پس از سه حمله یزرگ اسکندر، عرب، مغول. کشاورزی ایران دچار مصائب و بلایایی شده که آثار آن هنوز در اراضی ایران بیچشم میخورد. ایران سرزمین پهناوری است که دارای آب وهوای مناطق گوناگون است، مناطق سردسیر و گرمسیر فراوان دارد و استعداد زمینهای ایران برای بعمل آوردن محصولات مناطق مختلف بسیار است و تا امروز کشاورزی ایران يك ركن بزرگ اقتصادی این سرزمین بوده است.



آلودشت

رودخانه شاوور در آلودشت خوزستان بفاصله ۶۳ کیلومتری اهواز جاری است و رودخانه کارون می‌پیوندد. در عصر اعلیحضرت رضا شاه کبیر سدی بر این رودخانه احداث شد که هشت هزار هکتار زمین را مشروب می‌سازد.

در سال ۱۳۱۵ سد مذکور آماده بهره برداری شد و عده‌ای از کشاورزان بختیاری را دولت زمین و تراکتور و بذر داد و تحت تعلیمات مهندسان اداره کل فلاحیت بکشاورزی هدایت کرد و روزیست و ششم اسفند همین سال اعلیحضرت رضا شاه کبیر و والاحضرت ولایت‌مهد «شاهنشاه آریامهر» از این سد بازدید کردند و آنرا افتتاح فرمودند. این اولین سدی بود که در خوزستان آماده بهره برداری شد.

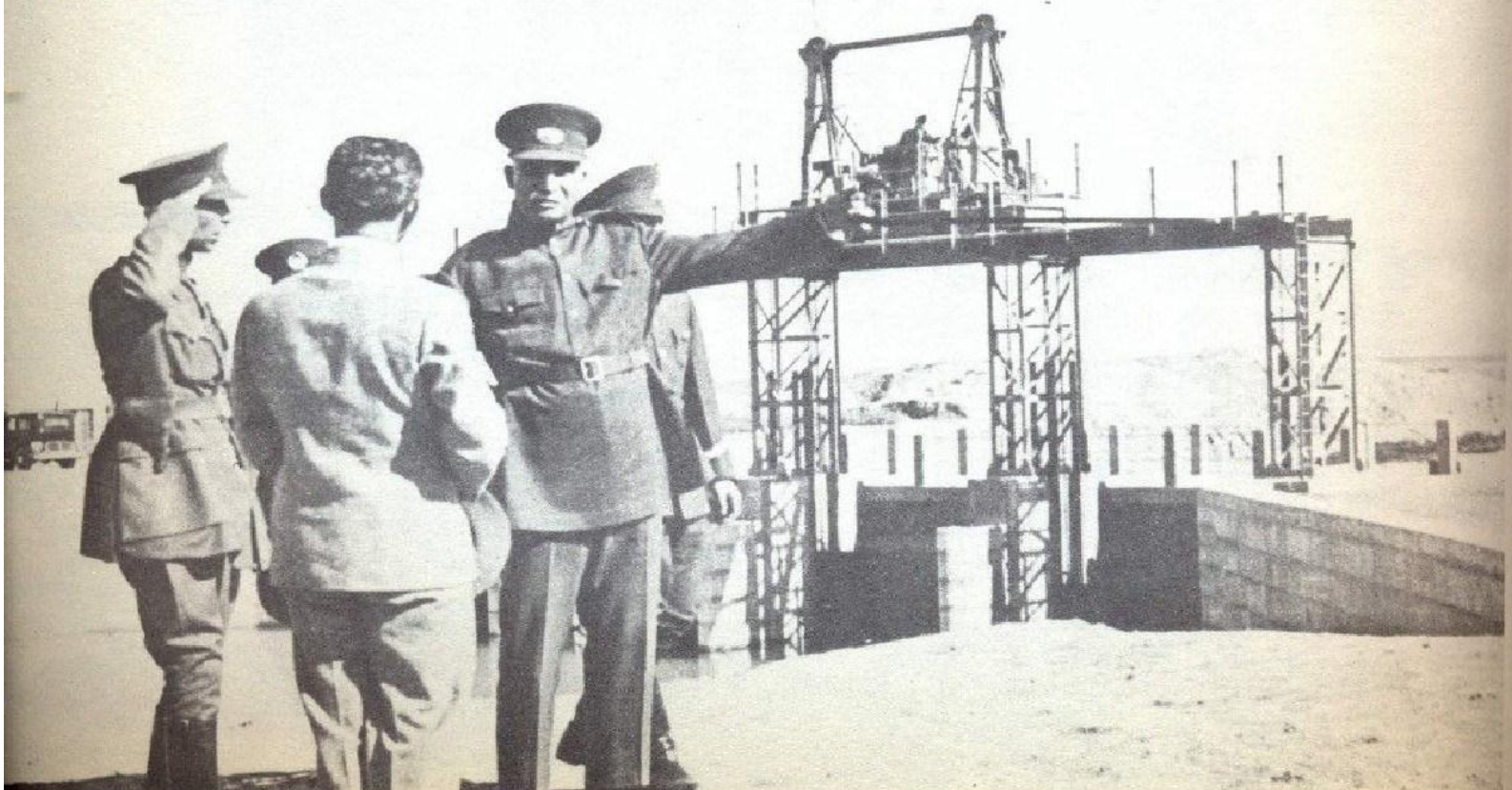
گرخه، شاوور، خیرآباد

در عصر رضاشاه کبیر سدهائی هم ساخته شد که اشاره بنام سدهای زیر کافی است.

* سد (شاوور) و سد (خیرآباد) در اهواز. «سد روانسر» در منطقه روانسر کرمانشاه. «سد شیانکاره» در برازجان فارس.

* رضاشاه کبیر به فلاحیت اهمیت بسیار میداد و آنرا سرمایه‌ی حیات ملت خود میدانست و برای بقا و رونق این هستی دوام و بقای امنیت را مقدم بر هر امری می‌شمرد و به همین جهت بود که با اسکان عشایر و وادار ساختن آنها بکشاورزی هم آنها را بکارگمارد و هم مزارع و کشتزارها را از آسیب گشت و گذار چادر نشینان که بی‌ایلاق و قشلاق میکردند رهایی بخشید.

در این دوره در امر زراعت که از قدیم بستیگی بزمین و بذرو آب داشت تجدید نظر شد.



آبیاری و سدسازی

بسیاری از محققان معتقدند که معنای واقعی تمدن شهرنشینی نیست بلکه تمدن عبارت از کشاورزی است و مملتی متمدن است که در درجه اول کشت گندم خوب داشته باشد .
کشاورزی آب و بند و زمین خوب می‌خواهد و کشورهایی که کمبود آب دارند برای هدایت آب و مهار کردن رودها از قدیم سد سازی میکردند و به حفر کانال میپرداختند .
ایرانیان بنا بر رسوم دیرین خود در آبیاری و سد سازی و حفر قنوات و بردن آبها از راههای سخت و کاریز و کندن آبروهای زیرزمینی سرآمد ملل عصر خود بوده‌اند و هنوز آثار آبیاری عصر هخامنشی و ساسانی مانند سد شاپور در سراسر ایران و آنسوی مرزهای ما باقی است .
آن فرمانی که داریوش بزرگ شاهنشاه هخامنشی برای حفر ترعه‌ای بر نیل در سرزمین مصر صادر کرد و بر سینه سنگ نهشت که ... من فرمان دادم این تنگه را بیافرینند و دریای قلزم را به دریای روم پیوند دهند تا کشتی‌های ایران بتوانند با آنسوی دریاها در حرکت باشند ... گواهی بزرگ از طرز تفکر مردم ایران باستان است .

پل معلق اهواز در دوره سلطنت اعلیحضرت رضا شاه کبیر ساخته شد - سال ۱۳۱۵





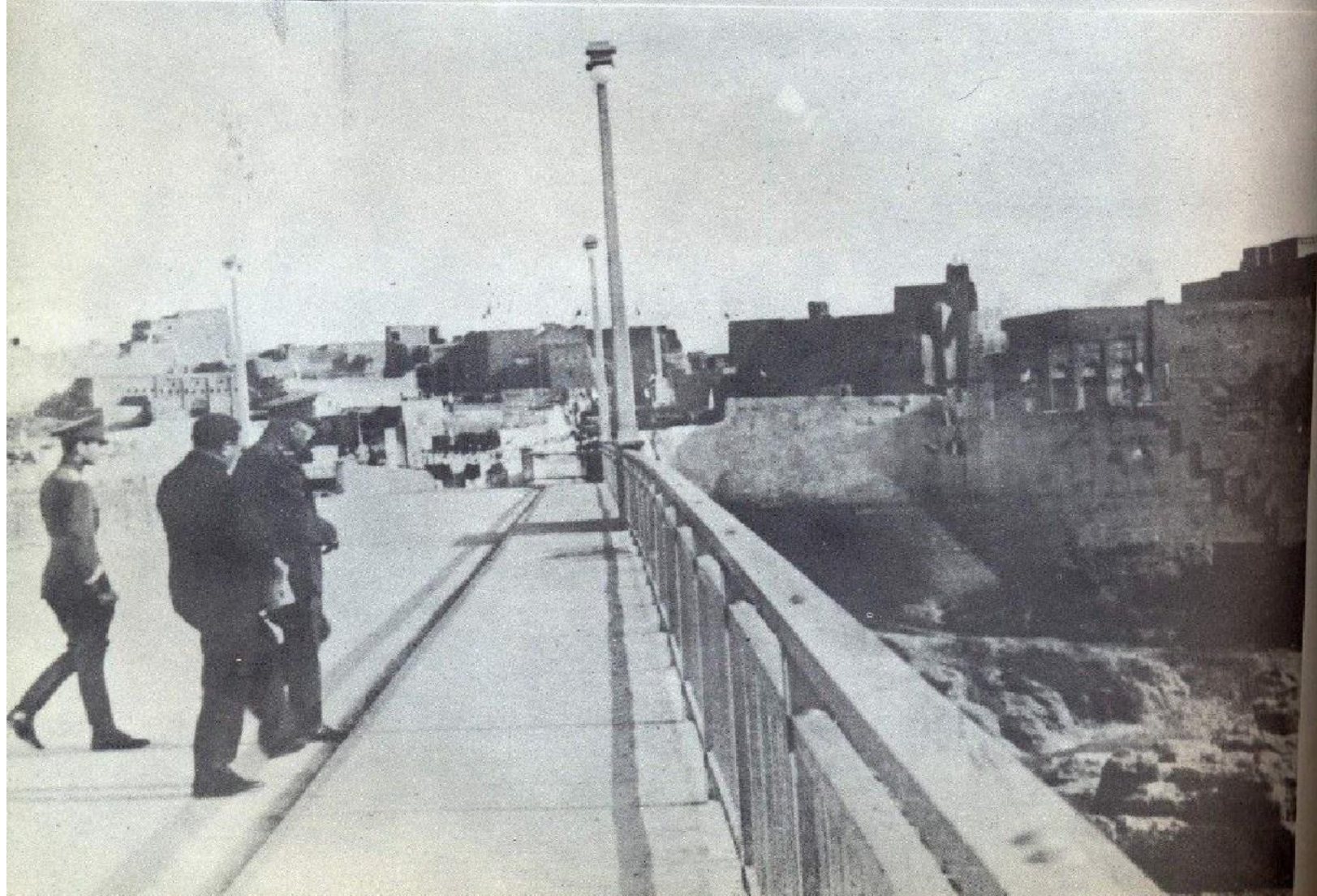
دورنمای مسجد سلیمان

تجدید حیات یک استان

از جمله خاکهای ایران که استعداد فراوان برای کشاورزی دارد سرزمین خوزستان است که با مهار شدن آبها و هدایت رودها سرانجام بهترین امکنه خواهد شد ، چنانکه پیش از این یاد شد بر سنگ نشسته تخت جمشید «هووازا» یا خوزستان معنای بهترین امکنه را داشته است و بعصر ساسانیان پایتخت زمستانی آن شاهنشاهان بوده که پس از تهاجم بیگانگان با همه پایداری دلیران ایران آن استان پرورگاری سیاه دچار گشته که قرن‌ها عقب مانده تا آنکه بعصر اعلیحضرت رضاشاه کبیر خوزستان تجدید حیات کرد و مرحله نوین زندگی آن با ایجاد امنیت آغاز شد و پیوسته طرحهای تازه برای آبادانی و نوسازی خوزستان بموقع اجرا درآمد که یکی از آنها سد سازی است چنانکه سد «شاوور» و سد «خیرآباد» واحداث سد کرخه در خوزستان بهترین نمونه و نشانه توجه به خوزستان است .

در ایستگاه راه آهن اهواز و استقبال دختران مدارس از اعلیحضرت رضاشاه کبیر - سرافکر معینی فرمانده نیروی خوزستان افتخار حضور دارد





کرخه و کارون . همن شیر

رودهاییکه در دشت خوزستان جاری است از رشته کوه های زاگرس و لرستان و بختیاری و فارس سرچشمه می گیرند و از شمال و مشرق بطرف جنوب غربی سرازیر شده و بسوی خلیج فارس پیش میروند. بزرگترین رودخانه قابل کشتیرانی ایران رود کارون است که در خوزستان جاری است و از کوه های بختیاری سرچشمه می گیرد . آب دز از مشرق دشته پیشکوه سرازیر میشود و رود های جراحی و هندیجان از کوه های فارس بسوی خوزستان جاری میشوند .

در هر استان و شهرستان قنات ، رؤسای ادارات ، صاحبان مؤسسات ملی و بازرگانان هنگام استقبال بحضور اعلیحضرت معرفی میشوند و پیوسته پیرامون پیشرفتهای اجتماعی مورد پرسش قرار می گرفتند

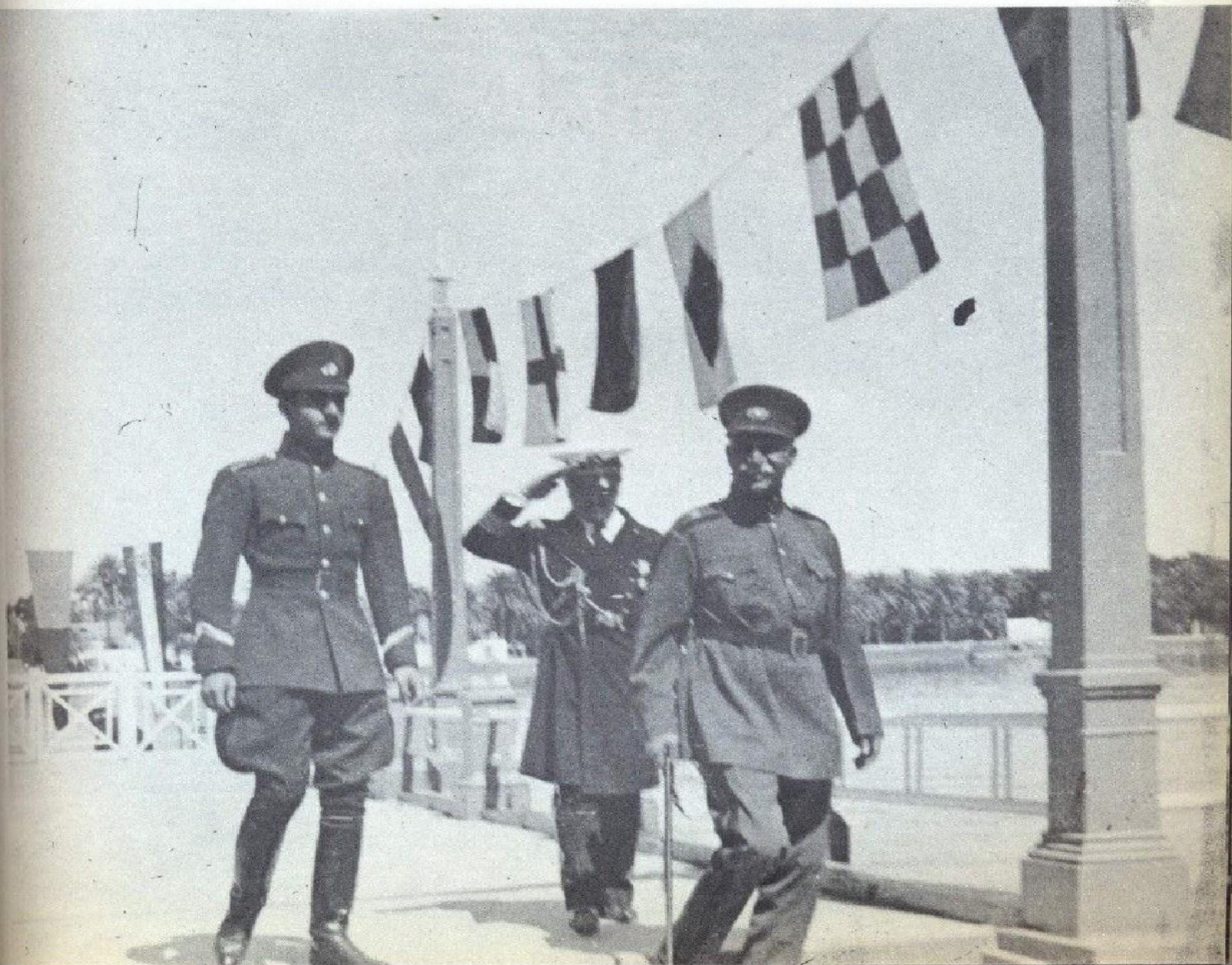




خرم شهر - سال ۱۳۱۵

خلیج فارس و سواحل آن

خلیج فارس دریائی است که امروز دویست و پنجاه و یک هزار و دویست و بیست و شش کیلومتر مربع مساحت دارد و پیش از این مساحتی بیشتر داشته که به مرور بر خشکی های آن افزوده شده است. خلیج فارس ایران را از راه تنگه هرمز و اقیانوس هند به سراسر جهان مرتبط میسازد و از روزگاری که تاریخ ایران آغاز میشود خلیج فارس بصورت امروز مرز دریائی نداشته و چنانکه از نامهای قدیمی سراسر سواحل و جزایر و بنادر آن مشهود است همه فارسی و متعلق بفارس بوده که با فراز و نشیب های زمان گاه بعضی اسماء سواحل و جزائر آن تغییر شکل داده ولی هرگز در اصل حاکمیت نام پارس دگرگونی پدید نیامده است و قوی است که جمله مورخان متقدم و متأخر شرق و غرب بویژه ایرانی و عرب بر آنند.



فهرست مطالب

۱۸۴-۱۷۷	تشکیل کنگره مستشرقین در تهران	صفحه ۸ تا ۱۵	سایه‌ای از سالهای سیری شده
۱۸۹-۱۸۵	بهداشت و سلامتی	۱۶ - ۱۷	روزگار سرداران ایران
۱۹۵-۱۹۰	کارخانه های بزرگ و گسترش صنعت	۱۸ - ۱۹	پیوگرافی او
۲۰۱-۱۹۶	داستان راه آهن شرق	۲۰ - ۲۱	سخنی رستار
۲۰۷-۲۰۲	دادگستری - قوه قضائیه	۲۲ - ۲۴	کودتا و فرماندهی کل قوا
۲۰۹-۲۰۸	آزادی زنان ایران	۲۵ - ۲۷	جنگهای سردار پهلوی
۲۱۲-۲۱۰	بازگشت ولایتعهدی بوطن	۲۸ - ۳۱	کارنامه سال ۱۳۰۱
۲۱۹-۲۱۳	اداره مملکت باهشورت ولایتعهدی	۳۲ - ۳۳	گوشه‌ای از رویدادهای سال ۱۳۰۲
۲۲۵-۲۲۰	رویدادهای راه لرستان	۳۴	تأسیس مدارس نظام
۲۳۱-۲۲۶	یادگارهایی از ایران باستان	۳۵	اعزام اولین گروه افسران محصل به اروپا
۲۳۳-۲۳۲	سخنی درباره یادگانه‌ها	۳۶	تأسیس شیر و خورشید سرخ
۲۳۳-۲۳۴	خوزستان استان کهنسال ایران	۳۷	عزیمت افسران محصل به اروپا
۲۵۳-۲۴۴	خلیج فارس و سواحل آن	۳۸	ریاست وزراء و فرمانده کل قوا
۲۶۲-۲۵۴	استان فارس و شهر شیراز	۳۹	خوغای جمهوریت
۲۷۵-۲۶۳	شاهنشاه پهلوی در کاخ شاهنشاه هخامنشی	۴۰-۴۱	کناره گیری سردار سپه
۲۷۷-۲۷۶	باستانشناسی بصر پهلوی	۴۲-۴۵	کابینه دوم
۲۷۹-۲۷۸	یادگار عبدالدوله دیلمی	۴۶-۵۱	پایان ماجرای خوزستان
۲۸۱-۲۸۰	از شیراز تا تهران	۵۲-۵۳	بزرگداشت سوم اسفند
-۲۸۲	اصفهان نمودار صنعت ایران	۵۴-۵۵	رویدادهای سال ۱۳۰۳
-۲۸۳	مشوق بزرگ صنعت گران	۵۶-۵۷	سلطنت بجای جمهوریت
۲۸۷-۲۸۴	معتقدات و ایمان و بازدید از موزه قم	۵۸-۵۹	انقراض سلطنت قاجاریه و تشکیل حکومت موقت
-۲۸۸	کارخانه سیمان ری	۶۰-۶۴	والاحضرت پهلوی رئیس حکومت موقت
۲۹۰-۲۸۹	سیلوی تهران	۶۵-	سلطنت پهلوی
-۲۹۱	چراغ برق	۶۶-۶۷	فرمان ولایتعهدی
۲۹۳-۲۹۲	دورنمای پیشرفتهای اقتصادی	۶۸-۷۱	جلوس رضاشاه پهلوی بر تخت مرمر
۲۹۸-۲۹۴	امتنه وطن	۷۲-۷۳	چند برگ از کارنامه سالهای نخستین سلطنت
۳۰۳-۲۹۹	شرکت در بازارهای جهانی	۷۴-۷۸	اولین اقدام تاریخی رضاشاه پهلوی
۳۰۷-۳۰۴	دخانیات ایران	۷۹-	چگونگی مراسم افتتاح بیسیم
۳۱۱-۳۰۸	سنگ بنای کارخانه ذوب آهن	۸۰-۹۸	تاجگذاری رضاشاه کبیر
۳۱۲-۳۱۲	راه کوهستانی چالوس	۹۹	ایران و رضاشاه پهلوی
۳۱۵-۳۱۴	کشایشی توفل کندوان	۱۰۰-۱۰۱	ایران در راه نو
۳۱۹-۳۱۶	راه آهن ایران	۱۰۲-۱۰۵	ارتش و امنیت داخلی
۳۲۵-۳۲۰	مرحله سوم پیشرفت راه آهن ایران	۱۰۶-۱۰۸	نخستین روز بنیاد راه آهن
۳۳۰-۳۲۶	یکروز بیروز در تهران	۱۰۹-	اعزام اولین گروه محصلین کشوری باروپا
۳۳۴-۳۳۱	افتتاح راه آهن سراسری	۱۱۰-۱۲۶	سفرها و توسازی شهرها
۳۳۵	یادی از راه آهنهای پیشین	۱۲۷-۱۳۲	گشایش شاهراه خوزستان و سخنان شاهنشاه
۳۳۷-۳۳۶	فرا گرفتن رموز شاهنشاهی	۱۳۳-۱۴۵	معارف و فرهنگ
۳۳۸	هنرستان دختران	۱۴۶-۱۴۹	سیاست مثبت و امنیت بین المللی
۳۳۹	ارشاد جامعه	۱۵۰-۱۵۲	القاء کاپیتولاسیون
۳۴۱-۳۴۰	دانشگاه جنگ	۱۵۳-۱۵۹	بانکهای نوین عصر پهلوی
۳۴۴-۳۴۲	نقض بیطرفی ایران	۱۶۰-۱۶۱	دیدارها و بازدیدهای سران دول از ایران
-۳۴۵	جلای وطن	۱۶۳-۱۶۷	دعوت کمال آتاتورک از رضاشاه کبیر
۳۵۰-۳۴۶	بازگشت	۱۶۸-۱۷۶	بزرگترین گام در راه دانش و فرهنگ

جلد یکم